

## گزارش‌ها

### اصول و مواضع جدید روسیه در کنفرانس امنیتی مونیخ

احمد منتظران<sup>۱</sup>

رئیس جمهوری روسیه ولادیمیر پوتین برای نخستین بار در چهل و سومین کنفرانس سیاست امنیتی در مونیخ آلمان در تاریخ ۲۲-۲۰ بهمن ۱۳۸۵ که با میزبانی و سخنرانی خانم آنجلا مرکل صدر اعظم آلمان و با حضور ۳۰۰ تن از مقامات چهل کشور و با شرکت ۳۴ وزیر خارجه و دفاع کشورهای جهان آغاز شد، شرکت نمود. آقای پوتین طی یک سخنرانی شفاف و صریح به طرح دیدگاه‌های روسیه در زمینه‌های مختلف سیاسی و بین‌المللی و منطقه‌ای پرداخت و بطور روشنی از سیستم سیاسی و سخت‌افزاری آمریکا در جهان بشدت انتقاد کرد. آقای پوتین در این سخنرانی بسیار حساب شده و سنجیده که متضمن راهکارهای این کشور برای ایجاد یک نظام چندقطبی و سربرآوردن قدرتهای جدید اقتصادی و سیاسی مانند هند و چین و برزیل در میان بازیگران بین‌المللی در عرصه سیاست بین‌المللی است، بر ایجاد یک نظام دموکراتیک بین‌المللی با تأکید بر نقش منشور سازمان ملل متحد و محوریت حقوق بین‌الملل تأکید داشت. به لحاظ اهمیت این سخنرانی و بازتاب آن در جامعه بین‌المللی، محورهای عمده این سخنرانی در خصوص وضعیت کلی جهان، الگوی

۱. آقای احمد منتظران راین مطالعاتی در مسکو است.

جهان تک‌قطبی برای جهان معاصر، سیاستهای دولت آمریکا، مسئله هسته‌ای ایران، سیستم آمریکایی دفاع ضد‌موشکی، سیاست انرژی روسیه و منشور انرژی، قرارداد جلوگیری از استقرار سلاح در فضا، برقراری سیستم دموکراتیک و عادلانه روابط اقتصادی در جهان، مخالفت با گسترش ناتو به شرق، تروریسم بین‌المللی و غیره بشرح ذیل ارائه می‌گردد:

### وضعیت کلی جهان و نظام تک‌قطبی

مسائل امنیت بین‌المللی از مسایل ثبات نظامی و سیاسی گسترده‌تر بوده و شامل ثبات اقتصاد جهانی، رفع فقر، امنیت اقتصادی و توسعه گفتگوی بین‌تمدن‌هاست. جهان تک‌قطبی که بعد از پایان جنگ سرد پیشنهاد می‌شد، عملی نشده است. البته، تاریخ بشریت مراحل وضعیت تک‌قطبی و تمایل به سلطه جهانی را شناخته است. در تاریخ بشریت چه اتفاق‌هایی که نیافتاده است. جهان تک‌قطبی به چه معناست؟ این اصطلاح را هر چقدر تزیین کنند، در عمل معنی واحد آن این است که یک مرکز قدرت و یک مرکز تصمیم‌گیری ایجاد می‌شود.

این جهان دارای یک ارباب و یک حاکم است. این وضع در نهایت امر نه تنها برای اعضای این سیستم بلکه برای خود حاکم مهلک بوده و او را از درون ویران می‌کند. این وضع به دموکراسی ربطی ندارد زیرا دموکراسی به معنی قدرت اکثریت با توجه به منافع و دیدگاه‌های اقلیت است. عده‌ای مرتباً به روسیه درس دموکراسی می‌دهند ولی خودشان نمی‌خواهند چیزی یاد بگیرند.

### الگوی جهان تک‌قطبی برای جهان معاصر

الگوی جهان تک‌قطبی برای جهان معاصر غیرقابل قبول و استفاده است، زیرا نمی‌تواند بر مبانی اخلاقی تمدن معاصر استوار شود. ولی باید گفت که همه تحولات در جهان امروز، نتیجه تلاشها برای ترویج نظریه جهان تک‌قطبی در جهان معاصر است. ولی تاکنون نه تنها «اقدامات یکجانبه و نامشروع» هیچ مشکلی را حل نکرده بلکه برعکس زمینه‌ساز فجایع جدید انسانی و ایجاد کانونهای جدید تشنجات شده‌اند، جنگ‌های محلی و مناقشات منطقه‌ای بیشتر شده و مردم بیشتری در این جنگ‌ها کشته می‌شوند.

## توسل به زور در امور بین‌المللی

ما شاهد «توسل لجام‌گسیخته و مهار نشده کاربرد زور در امور بین‌المللی» هستیم که جهانیان را به ورطه مناقشات پی‌در پی می‌اندازد. در نتیجه امکانات و نیرو برای حل و فصل هیچ‌یک از آنها کفایت نمی‌کند. حل و فصل سیاسی این مناقشات نیز غیرممکن می‌شود.

## نادیده‌گرفتن حقوق بین‌الملل

ما شاهد نادیده‌گرفتن فزاینده اصول اساسی حقوق بین‌الملل می‌شویم. بعضی موازین حقوقی و در واقع تمام نظام حقوقی یک کشور یعنی ایالات متحده، در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و انسانی از مرزهای یک کشور پافراتر گذاشته و به دیگران تحمیل می‌شود. مگر این امر می‌تواند مورد پسند کسی قرار گیرد؟

## عدم احساس امنیت در جهان

در امور بین‌الملل بیش از پیش تمایل به حل مسایل بر اساس «نرخ روز» سیاسی مشاهده می‌شود. این کار خطرناک است. این وضع باعث می‌شود که هیچ‌کس احساس امنیت نکند. اکنون هیچ کشوری نمی‌تواند پشت حقوق بین‌المللی به عنوان دیوار ضخیم سنگی پنهان شود. بدیهی است که چنین سیاستی مسابقه تسلیحاتی را شدت می‌بخشد. برتری عامل زور، ناگزیر بعضی کشورها را به دریافت سلاحهای کشتار دسته‌جمعی متمایل می‌کند. اصولاً خطرات جدیدی به وجود آمده‌اند (مانند تروریسم) که از ابعاد جهانی برخوردار می‌شوند.

## ایجاد ساختار جدید امنیتی و رویکرد قدرتها و بازیگران جدید به عرصه بین‌الملل

اعتقاد داریم که ما باید در این مرحله در باره تمامی ساختار امنیتی جهانی تفکر کنیم. در این زمینه باید «تعادل معقولانه منافع همه اعضای سیستم معاشرت بین‌المللی» را در نظر گرفت.

به‌ویژه با توجه به تغییرات سریع در چشم‌انداز جهانی به علت توسعه سریع بعضی کشورها و مناطق.

تولید ناخالص ملی جمعی هند و چین قدرت خرید برابر از ایالات متحده آمریکا را بالاتر برده است. تولید ناخالص ملی کشورهای «بریک» (برزیل، روسیه، هند و چین) از تولید ناخالص ملی اتحادیه اروپا بیشتر شده است. بدیهی است که توان اقتصادی مراکز جدید رشد جهانی ناگزیر به نفوذ سیاسی تبدیل شده و نظام چندقطبی را تقویت خواهد کرد که در این شرایط نقش دیپلماسی چندجانبه رشد می‌کند.

### مکانیزم منشور سازمان ملل متحد در اعمال توسل به زور

اعتقاد دارم که «تنها منشور سازمان ملل مکانیزم واحد اتخاذ تصمیم درباره توسل به زور نظامی به عنوان برهان قاطع» است و باید بگوییم که ما دیدگاه‌های متفاوتی داریم. تنها تصمیم سازمان ملل می‌تواند مشروعیت داشته باشد. ناتو و اتحادیه اروپا نباید جای سازمان ملل را بگیرد. در غیر این صورت، اوضاع به بن بست خورده و تعداد اشتباهات سنگین مضاعف خواهد شد.

#### خلع سلاح

#### عدم اشاعه هسته‌ای

#### نظامی کردن فضای کیهانی

#### سیستم پدافند ضد موشکی در اروپا

خطر بالقوه بی‌ثباتی مناسبات بین‌الملل با رکود در زمینه خلع سلاح ارتباط دارد. روسیه طرفدار از سرگیری گفتگو درباره این مسئله مهم است. روسیه به قرارداد عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) و رژیم چندجانبه کنترل فن‌آوری‌های موشکی کاملاً پایبند بوده و خواهد بود. اصول این اسناد حالت فراگیر دارد.

در حال حاضر جمهوری دموکراتیک خلق کره، جمهوری کره، هند، ایران، پاکستان و

اسرائیل از موشک‌های میان‌برد و برد کوتاه برخوردارند که ایالات متحده و روسیه متعهد شدند این سیستم‌های تسلیحاتی را نسازند. بدیهی است که ما در این شرایط باید به فکر تأمین امنیت خود باشیم.

### ساخت سلاح‌های جدید بی‌ثبات‌کننده

نباید اجازه داد که انواع جدید تسلیحات بی‌ثبات‌کننده ساخته شوند. همچنین باید از ایجاد عرصه‌های جدید رویارویی به خصوص در فضای کیهانی جلوگیری کرد. «جنگ ستارگان» عینیت یافته است. اواسط سال‌های ۱۹۸۰ آمریکا با عملیات سرنگونی ماهواره خود را به عمل آورده بودند. به عقیده روسیه، نظامی کردن فضای کیهانی می‌تواند برای جامعه جهانی تبعاتی شبیه به آغاز عصر هسته‌ای به دنبال داشته باشد. به شما اطلاع می‌دهم که روسیه پیش‌نویس قرارداد مربوط به جلوگیری از استقرار تسلیحات در فضای کیهانی را تهیه کرده است که این سند در آینده نزدیک به عنوان پیشنهاد رسمی به شرکای ما ارسال خواهد شد. باید مشترکاً روی این قرارداد کار کنیم.

### سیستم پدافند ضد موشکی در اروپا

برنامه‌های استقرار عناصر سیستم پدافند ضد موشکی در اروپا که موجب دور جدید مسابقه تسلیحاتی می‌شود، باعث نگرانی ما می‌گردد. هیچ‌یک از به اصطلاح «کشورهای مشکل‌زا» موشکی با برد ۸-۵ هزار کیلومتری که واقعاً اروپا را تهدید کند، ندارند و در آینده قابل پیش‌بینی نخواهند داشت. پرتاب موشک فرضی از کره شمالی به سوی ایالات متحده از راه اروپا با قوانین بالستیکی مغایرت دارد. به قول روس‌ها، شبیه این است که «با دست راست گوش چپ را بخارانند».

الان که در آلمان هستیم، نمی‌توانیم به وضعیت بحرانی قرارداد درباره تسلیحات متعارف در اروپا اشاره نکنیم. قرارداد اصلاح شده در سال ۱۹۹۹ امضا شد ولی طی ۷ سال اخیر تنها ۴

کشور و از جمله روسیه آن را تصویب کرده‌اند. کشورهای ناتو اعلام کردند که تا زمانی که روسیه پایگاه‌های خود را از گرجستان و مولداوی بیرون نکشد، این سند را تصویب نخواهند کرد. نیروهای ما با سرعت از گرجستان خارج می‌شوند و در مولداوی فقط واحدی متشکل از ۱۵۰۰ نفر نظامی باقی مانده است که وظایف حفاظت از صلح و محافظت از انبار مهمات باقی مانده از زمان شوروی را اجرا می‌کنند. ولی در همان حال در بلغارستان و رومانی به اصطلاح پایگاه‌های سبک آمریکایی هر کدام با ۵ هزار نفر، به وجود آمده‌اند. ناتو نیروهای خود را به مرزهای ما نزدیک می‌کند ولی ما به این اقدامات واکنشی از خود نشان نمی‌دهیم.

### روند گسترش ناتو به شرق

روند گسترش ناتو به نوسازی این پیمان و تأمین امنیت اروپایی ربطی ندارد و فقط به عنوان یک عامل تحریک‌کننده، سطح اعتماد متقابل را تنزل می‌دهد. این گسترش علیه کیست؟ وعده‌های شرکای غربی بعد از انحلال پیمان ورشو چه شدند؟ برای مثال، آقای ورنر دبیرکل سابق ناتو روز ۱۷ مه ۱۹۹۰ طی سخنانی اظهار داشت: «همین امر که ما حاضریم نیروهای ناتو را خارج از خاک آلمان فدرال مستقر نکنیم، به اتحاد شوروی ضمانت محکم امنیت می‌دهد». این ضمانتها چه شده‌اند؟

### تحکیم رژیم عدم اشاعه

ما قطعاً طرفدار تحکیم رژیم عدم اشاعه هستیم. با استفاده از حقوق بین‌الملل معاصر می‌توان فن‌آوری‌های تولید سوخت هسته‌ای برای استفاده صلح‌آمیز را به عمل آورد. کشورهای زیادی به حق می‌خواهند بخش انرژی هسته‌ای خود را به عنوان اساس استقلال انرژی خود ایجاد کنند. ولی ما می‌فهمیم که این فن‌آوری‌ها می‌توانند به سرعت به وسیله ساخت مواد تسلیحاتی تبدیل شوند. این امر باعث تشنجات جدی بین‌المللی می‌شود. وضعیت مربوط به برنامه هسته‌ای ایران، نمونه بارز این مسئله است. اگر جامعه جهانی راه حل معقولانه این مناقشه

منافع را طراحی نکند، این بحرانهای بی ثبات کننده در آینده نیز جهان را تکان خواهند داد زیرا تعداد کشورهایی که در «آستانه» قرار دارند، به ایران ختم نمی شود. ما همیشه با خطر گسترش سلاحهای کشتار دسته جمعی روبرو خواهیم شد.

### ابتکار روسیه در ایجاد مراکز چندملیتی غنی سازی اورانیوم

روسیه در سال گذشته ابتکار ایجاد مراکز چندملیتی غنی سازی اورانیوم را مطرح کرد. ما آماده هستیم که چنین مراکزی نه فقط در روسیه بلکه در کشورهای دیگری هم ایجاد شوند که آنجا انرژی اتمی صلح آمیز به صورت مشروع وجود دارد. دولت‌های علاقمند به توسعه انرژی اتمی، می توانند از طریق شرکت در کار این مراکز و زیر نظر آژانس بین المللی انرژی اتمی سوخت هسته‌ای را به طور تضمین شده دریافت کنند. ابتکارات اخیر جرج بوش رئیس جمهور ایالات متحده با پیشنهاد روسیه همخوان است. دو کشور که از نظر توان هسته‌ای و موشکی مقام رهبری دارند، باید در زمینه طراحی اقدامات جدید و شدیدتری در زمینه عدم اشاعه پیشقدم شوند. قرار است یک سیستم جامع اهرمهای سیاسی و انگیزه‌های اقتصادی ایجاد شود که دولت‌ها به ایجاد ظرفیتهای سوخت هسته‌ای علاقمند نباشند بلکه بتوانند انرژی هسته‌ای را توسعه داده و توان انرژی خود را تقویت کنند.

### سیاست انرژی روسیه

روسیه در زمینه انرژی به ایجاد اصول بازار و شرایط شفاف واحد برای همه علاقمند است. قیمت مواد انرژی باید توسط بازار و نه از طریق سوءاستفاده‌های سیاسی، فشار اقتصادی و ارباب تعیین شود. شرکتهای بزرگ خارجی در پروژه‌های مهم انرژی ما شرکت می کنند. قریب به ۲۶٪ نفت روسیه توسط سرمایه خارجی تولید می شود، ولی بخش تجاری روسی در اقتصاد کشورهای غرب چین حضور گسترده‌ای را ندارد. تناسب سرمایه گذاری‌های وارداتی به روسیه و صادراتی از روسیه تقریباً ۱۵ بر ۱ است. این نمونه فضای باز و ثبات اقتصاد روسیه است. ما برای

رقابت صادقانه آماده هستیم و از امکانات فزاینده‌ای برای این رقابت برخوردار می‌شویم.

### استفاده از ابزار سیاسی انرژی

در زمینه ادعاهای بعمل آمده در خصوص استفاده از سیاستهای انرژی در تنظیم روابط با همسایگان، آقای پوتین خاطر نشان ساخت که پایه و اساس واقعی ندارند و این «خط حمله» مخالفان روسیه یا وسیله‌ای برای رقابت ناجوانمردانه است. از هیچ‌کس هیچ وقت برقراری روابط غیربازاری و واگذاری امتیازات به دیگران را نمی‌خواهند. معلوم نیست چرا از ما چنین چیزی را می‌خواهند. هدف همه تلاشهای ما این است که روابط با مصرف‌کنندگان و کشورهای ترانزیتی را صرفاً بر اساس بازار برقرار کنیم. ما هیچ پیشنهاد دیگری مطرح نمی‌کنیم. سیاست انرژی ما نسبت به کشورهای بالتیک که با آنها روابط سیاسی نه چندان خوبی داریم، نشان‌دهنده چگونگی سیاست واقعی انرژی ماست.

### منشور انرژی

روسیه با کشورهای اروپایی بر اساس منشور انرژی همکاری می‌کند، اما همانند سابق نمی‌خواهد که این منشور را تصویب کند. ما به کرات گفته‌ایم که مخالف این نیستیم که اصول روابطمان با اتحادیه اروپا در زمینه انرژی را مورد موافقت قرار دهیم. بویژه که اصول مندرج در منشور انرژی، بطور کلی قابل قبول هستند. اما این منشور چندان مورد پسند ما نیست.

### عضویت روسیه در سازمان تجارت جهانی

مذاکرات درباره عضویت روسیه در سازمان تجارت جهانی وارد مرحله پایانی شده است. ما در جریان مذاکرات طولانی بحث زیادی درباره آزادی بیان، آزادی تجارت و امکانات برابر ولی فقط در مورد فعالیت در بازار روسی شنیده‌ایم.



## فقر و بی‌ثباتی جهانی

در حال حاضر دربارۀ مبارزه با فقر و کمک به کشورهای فقیر بحث زیادی می‌کنند ولی مبالغ زیادی توسط شرکتهای کشورهای کمک‌کننده مصرف می‌شود. به عبارت دیگر، با یک دست کمک خیریه پخش می‌شود و با دست دیگر عقب‌ماندگی اقتصادی حفظ شده و سودی نیز دریافت می‌شود. تشنجات اجتماعی در مناطق فقر زده به رشد افراط‌گرایی و توسعه تروریسم منجر می‌شود. در خاورمیانه که جهان خارجی را فاقد عدالت می‌داند، این پدیده خطر بی‌ثباتی جهانی را شدت می‌بخشد. بدیهی است که کشورهای اساسی جهان باید این خطر را تشخیص داده و سیستم آزادتر مناسبات اقتصادی جهانی را برقرار کنند که به همه فرصت توسعه را بدهد.

## فعالیت سازمان امنیت و همکاری اروپا

همچنین نمی‌توان از فعالیت سازمان امنیت و همکاری اروپا غافل ماند که جنبه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و انسانی امنیت را در ارتباط با همدیگر بررسی کند. ولی ما شاهد به هم خوردن این تعادل هستیم. عده‌ای سعی می‌کنند سازمان امنیت و همکاری اروپا را به وسیله‌ای برای تأمین منافع سیاست خارجی گروهی از کشورها به ضرر کشورهای دیگر تبدیل کنند. دستگاه اداره سازمان که با کشورهای مؤسس هیچ ارتباطی ندارد، برای ایفای این نقش طراحی شده است. از «سازمانهای غیردولتی» هم استفاده می‌کنند که رسماً غیر وابسته هستند ولی به‌طور هدفدار تأمین می‌شوند و لذا تحت نظارت قرار دارند. سازمان امنیت و همکاری اروپا باید به کشورهای عضو کمک کند ولی نباید در امور داخلی آنها دخالت و چیزی به آنها تحمیل کند زیرا مداخله باعث رشد دموکراسی نمی‌شود و این کشورها را به دولتهای بی‌ثبات سیاسی و اقتصادی تبدیل می‌کند.

به‌طور کلی می‌توان سیاستهای آقای پوتین و روسیه با توجه به سخنرانی وی در مونیخ و مصاحبه با شبکه الجزیره را در چارچوبهای ذیل نیز طبقه‌بندی و ارائه داشت:

## ۱. سیاستهای دولت آمریکا

- آمریکا در سراسر جهان به طور نامحدود به زور متوسل می‌شود و از هر جهت پا را از مرزهای خود فراتر گذاشته است.
- سیاستهای آمریکا منتهی به مناقشه شده و به یک مسابقه تسلیحات هسته‌ای دامن می‌زند.
- واشنگتن اجرای قوانین خود را به نحوی که موجب بی‌اعتباری قوانین بین‌المللی می‌شود، به فراتر از مرزهای خود گسترش می‌دهد.
- این سیاست آمریکا بسیار خطرناک است. هیچ‌کس احساس امنیت نمی‌کند، زیرا نمی‌تواند خود را در پناه قوانین بین‌المللی قرار دهد.

## ۲. نگرانی‌های ناشی از مسایل هسته‌ای ایران

- کشورهای دیگر نیز در داشتن چنین نگرانی‌هایی با ایران سهیم هستند.
- جامعه جهانی در رابطه با ماهیت و کیفیت برنامه هسته‌ای ایران نگران بوده و محمد البرادعی مدیر کل آژانس چندی پیش این نگرانی‌ها را در ۶۷ بند تنظیم نمود. در اینجا من با شما همبستگی دارم.
- ایرانیان بطور مداوم می‌گویند که برنامه هسته‌ای آنها صلح‌آمیز است و برای من قابل درک نیست که چرا طرف ایرانی تاکنون بطور مثبت و سازنده‌ای به این نگرانی‌ها و پیشنهادات البرادعی برای برطرف نمودن این نگرانی‌ها پاسخ نداده است.
- رئیس جمهور روسیه خواستار کار جمعی همراه با صبر و احتیاط و ایجاد انگیزه‌های لازم شد. بایستی به سران ایران نشان داد که همکاری با جامعه جهانی، به مراتب بهتر از مناقشه است. ولادیمیر پوتین در مصاحبه با شبکه الجزیره تأکید داشت: ما با مقامات ایران در تماس هستیم. چندی پیش آقای ایوانف، دبیر شورای امنیت روسیه به تهران سفر کرد و من بعداز گفتگو با شما با نماینده ایران ملاقات خواهم داشت که پیام آقای خامنه‌ای رهبر ایران را برای من

آورده است. ما مواضع طرف ایرانی را می‌دانیم. امیدوارم که آنها به پیشنهادهای ما توجه کنند. طرف ایرانی هیچ وقت به صداقت ما در روابط با ایران شک نکرده و نمی‌کند. هدف همه فعالیت‌های ما، دور ساختن مسئله هسته‌ای ایران از میدان رویارویی است. به نظر ما، کار نه چندان زیادی لازم است و آن پاسخ دادن به نگرانی‌های آقای محمد البرادعی و سازمان تحت ریاست وی است. به عقیده ما، این امر باعث تضييع برنامه‌ها و حق ایران برای توسعه فن‌آوری‌های هسته‌ای صلح‌آمیز نخواهد شد.

- ما از این ابتکار البرادعی حمایت می‌کنیم و آن را سنجیده، متعادل و بدور از تضييع منافع ایران می‌دانیم. ما علامت‌هایی دریافت می‌کنیم که طرف ایرانی مایل است مسأله را حل کند. ولی درباره اینکه شرکای ایرانی ما حاضرند به پیشنهاد محمد البرادعی واکنش مثبتی از خود نشان دهند، هنوز هیچ چیز سازنده‌ای نشنیده‌ایم.

### ۳. سیستم آمریکائی ضد موشکی

- رئیس جمهور روسیه پاسخی نامتقارن نسبت به ایجاد سیستم آمریکایی دفاع ضد موشکی ارائه داد. آقای پوتین خاطر نشان نمود: روسیه می‌تواند دو راه را در پاسخ به استقرار سیستم دفاع ضد موشکی آمریکایی برگزیند. وی تاکید نمود: یا می‌توان سیستم دفاع ضد موشکی ساخت، و یا با در نظر داشتن امکانات امروز اقتصادی و مالی ما، بطور غیر متقارن پاسخ داد تا همه بفهمند که آری، سیستم ضد موشکی وجود دارد، اما در رابطه با روسیه، بیهوده است زیرا ما تسلیحاتی در اختیار داریم که از آن می‌گذرد. رئیس جمهور روسیه تاکید نمود: «ما همین راه را نیز پیش خواهیم گرفت که برای ما ارزانتر هم تمام می‌شود».

- اگر شما می‌گویید که سیستم دفاع ضد موشکی شما علیه ما نیست، پس سلاح جدید ما نیز علیه شما نیست. ما می‌دانیم که در ایالات متحده سیستم دفاع ضد موشکی فعالانه طراحی و تجهیز می‌شود. امروز این سیستم موثر نیست و ما دقیقاً نمی‌دانیم که بطور کل اصلاً زمانی موثر خواهد بود یا خیر. بطور فرضی، ما بر این تکیه داریم که زمانی خواهد رسید که تهدید ممکن از

سوی نیروهای هسته‌ای ما، خنثی شوند. این بدان معناست که تعادل برهم خواهد خورد و یکی از طرفین احساس امنیت کامل خواهد کرد و بدین معناست که دست وی نه تنها برای مناقشات منطقه‌ای و بلکه جهانی باز می‌شود.

- رئیس‌جمهور روسیه تاکید داشت «اما بار دیگر تکرار می‌کنم که این تقارن و عدم تقارن یک محاسبه ساده است».

#### ۴. روابط آمریکا - روسیه

پوتین خاطر نشان نمود که با وجود تمامی اختلاف نظرات، رئیس‌جمهور آمریکا را دوست خود می‌داند. من می‌دانم که بخاطر تمام آنچه که در عرصه بین‌المللی و در داخل آمریکا انجام می‌شود، می‌توانند وی را متهم کنند. اما من می‌دانم که او فرد شریفی است و با او می‌توان صحبت کرد و به توافق رسید.

#### ۵. اوضاع چین

روسیه ترجیح می‌دهد که اوضاع در چین را با استفاده از روش‌های اقتصادی و سیاسی سامان بخشد. در این رابطه آقای پوتین تاکید داشت: عملاً تمامی نیروهای سیاسی جذب کار در این جمهوری شده‌اند. پوتین بعنوان مثال از این یاد کرد که وزیر دفاع اسبق دولت مسخدوف، هم اکنون نماینده مجلس این جمهوری است. ما ترجیح می‌دهیم که در آنجا از طریق روش‌های اقتصادی و سیاسی عمل نموده و برقراری امنیت را بطورکل به دست خود مردم چین بسپاریم.

#### ۶. برقراری سیستم دموکراتیک، عادلانه روابط اقتصادی در جهان

ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه معتقد است:

- کشورهای پیشرو باید سیستم عادلانه‌تری را برای برقراری روابط اقتصادی در جهان

ایجاد کنند.

- تنش‌های اجتماعی در مناطق مشکل‌دار، ناگزیر سبب رشد افراط‌گرایی شده و تروریسم و مناقشات منطقه‌ای را تغذیه می‌کند. اگر چنین چیزی در خاورمیانه، در شرایط حادث شدن برداشت از جهان خارج بعنوان جهانی ناعادل رخ دهد، پس در اینصورت خطر بی‌ثباتی‌های جهانی وجود خواهد داشت، مسلم است که کشورهای پیشرو در جهان باید این تهدید را ببینند و متعاقباً سیستم روابط اقتصادی آزادتر و عادلانه‌تری را تنظیم کنند تا فرصت و امکان توسعه در اختیار همگان قرار گیرد.

## ۷. قرارداد جلوگیری از استقرار سلاح در فضا

ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در کنفرانس امنیتی مونیخ اعلام نمود که روسیه پیشنهادی برای منع استقرار سلاح در فضا را آماده نموده است. در آینده‌ای نزدیک آن را بعنوان پیشنهادی رسمی برای شرکای خود ارسال می‌کنیم. بیایید با هم کار کنیم. پوتین اظهار داشت، «نظامی سازی فضا»، می‌تواند سبب برانگیختن پیامدهایی غیرقابل پیش‌بینی برای جامعه جهانی، نه کمتر از آغاز دوران هسته‌ای، باشد.

- روسیه قصد داد اکیداً به تعهدات خود برای کاهش تعداد خرج‌های هسته‌ای تا سال ۲۰۱۲ عمل کند. رئیس‌جمهور روسیه اظهار داشت: امیدوارم که شرکای ما نیز همینطور شفاف عمل نموده و چندصد خرج هسته‌ای را برای روز مبادا نگهداری نکنند. اگر امروز وزیر دفاع جدید آمریکا اعلام می‌کند که آمریکا این خرج‌های هسته‌ای زاید را هیچ کجا پنهان نخواهد کرد، نه در انبارها، نه زیر بالشت و نه زیر پتو، من به حاضرین پیشنهاد می‌کنم که از جای برخاسته و ایستاده از اظهارات وی استقبال کنند. این (اقدام آمریکا) می‌تواند بسیار مهم باشد. پس از این جمله، پوتین سخنرانی خود را متوقف نموده و به حاضرین نگاه کرد، در سالن یک دقیقه سکوت برقرار شد ولی هیچ‌یک از حاضرین به پیشنهاد پوتین پاسخ نداد.

- طبق قرارداد بین‌المللی کاهش سلاح استراتژیک تهاجمی، روسیه تا ۳۱ مارس ۲۰۱۲ باید تعداد این تسلیحات را تا ۱۷۰۰-۲۲۰۰ عدد کاهش دهد.

## ۸. تروریسم بین‌المللی

در حال حاضر تهدید اصلی برای روسیه، آمریکا و اروپا تروریسم بین‌المللی است. پوتین نقش مهم روسیه و هند در مبارزه با تروریسم را خاطر نشان نموده و در عین حال بدین نکته توجه نمود که این کشورها اتحادی نظامی - سیاسی همانند ناتو ایجاد نمی‌کنند. رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه تاکید نمود که برای مبارزه موثر با تروریسم بین‌المللی، تنها نیاز به متحد ساختن تلاش‌های تمامی طرفین می‌باشد.

## ۹. مساله و اوضاع عراق

رئیس‌جمهوری روسیه در گفتگو با شبکه ماهواره‌ای الجزیره قطر با انتقاد از تقویت نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس گفت: راهبرد جدید نظامی آمریکا مبنی بر تقویت حضور نظامی واشنگتن در منطقه، به فروکش کردن خشونت‌ها و ناآرامی‌ها در عراق کمک نخواهد کرد. پوتین در این گفتگو همچنین خاطر نشان ساخت: به عقیده کارشناسان نظامی، طرح جدید آمریکا مبنی بر تقویت حضور نظامی‌اش در منطقه خلیج (فارس) از جمله اعزام ناوهای هواپیمابر به این منطقه لازمه حل بحران عراق نیست. وی در ادامه افزود: تجهیز ناوهای نیروی دریایی آمریکا به موشک‌های پیشرفته با فناوری نوین که در منطقه مستقر شده‌اند، در عراق به کار نمی‌آید و تنها به گسترش و افزایش نگرانی‌ها دامن می‌زند. پوتین با اشاره به اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی توسط نیروهای چندملیتی تحت هدایت و فرماندهی آمریکا و اوضاع بحرانی کنونی که گریبانگیر این کشور شده است، این پرسش را مطرح کرد که آیا قوانین بین‌المللی ضامن امنیت جامعه جهانی هستند یا راه‌حلی‌هایی که خودسرانه تحمیل می‌شوند و مبتنی بر کنوانسیون‌های جهانی نبوده‌اند؟

## دموکراتیزه کردن خاورمیانه

به هیچ عنوان پشیمان نشده‌ام. ما رفتار خود را کاملاً درست می‌دانیم. بدون اینکه به

تحلیل تحولات تاریخی بپردازم، مایلم بگویم که ما بر این عقیده هستیم که همه ساکنان این منطقه حق تشکیل دولت خود و زندگی امن را دارند. دوم اینکه حماس با استفاده از روش‌های خاص خود سعی می‌کرد به اهداف اعلام شده دست یابد. فکر نمی‌کنم که این روش‌ها همیشه خوب بودند ولی بالاخره حماس در انتخابات برنده شد. آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها همیشه به توسعه دموکراسی دعوت می‌کنند. حتی نظریه دمکراتیزه کردن خاورمیانه بزرگ وجود دارد که البته کسی نمی‌داند خاورمیانه بزرگ چیست و مرزهای آن کدامند. ولی این اندیشه وجود دارد ولو اینکه من به سختی می‌توانم بفهمم دمکراتیزه کردن خاورمیانه بزرگ به چه معناست. بالاخره این اندیشه به گردش انداخته شد و نتیجه اول آن، پیروزی حماس در انتخابات فلسطینی است. به ما می‌گویند که باید به انتخاب مردم احترام گذاشت. خیلی خوب، شما هم به انتخاب مردم احترام بگذارید و سازمان‌های مختلف ملت فلسطین را به جان هم نیندازید. این نظریه و عمل معیوب «تفرقه بینداز و آقایی کن» باعث ایجاد بن‌بست می‌شود. فرض کنیم حماس به فعالیت غیرعلنی بپردازد ولی مشکلات حل نخواهند شد. از سوی دیگر، اگر حماس مسؤول سرنوشت ملت فلسطین شود، همینطور رفتار خواهد کرد. مجبور خواهد شد واقعیات موجود را قبول کند که یکی از این واقعیات این است که دولت اسرائیل وجود دارد و جامعه جهانی این واقعیت را در اسناد بین‌المللی مصوب سازمان ملل قید کرده است. به جای اینکه وانمود کنیم که این نیروها وجود ندارد، بهتر است که با افرادی سروکار داشته باشیم که در ملت خود نفوذ دارند تا در جریان مذاکرات مواضع آنها را اصلاح کنیم. این تغییرات امکان‌پذیر است، کافی است به سابقه سیاسی یاسر عرفات اشاره کرد. او را هم تروریست محسوب می‌کردند ولی بعداً به او جایزه صلح نوبل را اعطا نمودند. ضربه حماس ضربه نیرومندی است. ولی این بدان معنا نیست که ایالات متحده مسؤول همه تحولات در خاورمیانه است. ما از بسیاری از جنبه‌های سیاست ایالات متحده راضی نیستیم ولی نباید این کشور را فقط با رنگ تیره جلوه داد. ساکنان این مناطق قبل از همه مسؤول اوضاع هستند. منظورم کشورهای عربی، اسرائیل و خود فلسطین هستند. کشورهای نیرومندی چون ایالات متحده، اروپا و روسیه نیز مسؤول هستند و به نفع منطقه فعالیت می‌کنند.

می توان گفت که برداشت ما از مسأله فرق می کند، می توان در این مورد بحث کرد ولی معلوم است که این مسأله نمی تواند از راه دور حل شود. حوادث عراق نشان داده است که یک کشور هر چقدر نیرومند باشد، نمی تواند این گونه مسایل را به تنهایی حل کند. درست است که کشورهای با توان بزرگ سیاسی، اقتصادی و نظامی نفوذ زیادی دارند و می توانند اوضاع را اصلاح یا خراب کنند. مایلیم که طرف آمریکایی بیشتر با دیگران تعامل کند و به نقطه نظرات همه شرکت کنندگان در این روند توجه کند.

### روابط حسنه روسیه با همه طرف های مناقشه در خاور میانه

ما نمی توانیم به جای مردم لبنان مسایل آنها را حل کنیم. می توانیم فقط کمک کنیم. ما واقعاً با دولت لبنان، با حزب اله و نیروهای سیاسی دیگر این کشور روابط خوبی داریم. در مجموع، با جهان عرب روابط سنتی خوبی داریم. ولی مانمی توانیم بجای لبنانی ها مسایل آنها را حل کنیم.

### اروپایی بدون «خطوط حایل»

ما باید اروپایی بدون «خطوط حایل» ایجاد کنیم. ما قراردادی درباره محدود کردن نیروهای متعارف در اروپا امضا کردیم و این توافقات را رعایت می کنیم. ولی همزمان می بینیم که دیوارهای جدید مجازی برلین ساخته می شوند. به جای ایجاد فضای واحد، دیوار مجازی برلین به شرق انتقال داده شده و در این قسمت اروپا پایگاه های جدید ایجاد می شوند. ما تعهدات خود را در زمینه کاهش تسلیحات رعایت می کنیم ولی طرف دیگر به این توافقات احساس پایبندی نمی کند. بسیاری از آنها قرارداد نیروهای متعارف را تصویب نکرده اند. این امر باعث نگرانی ما می شود. ما ناگزیر باید این واقعیت را در نظر بگیریم. از یک سو تبدیل پیمان آتلانتیک شمالی به سازمان سیاسی اعلام می شود و از سوی دیگر زیربنای نظامی آن به مرزهای روسیه نزدیک می شود. ما با توجه به این واقعیت نظریه نظامی خود را طراحی کرده و نیروهای مسلح خود را متناسب با آن مجهز می کنیم.



## تعادل نیروها

برقراری تعادل نیروها، مهمترین دستاورد دهه‌های اخیر و در واقع تمام تاریخ بشریت برای تأمین ثبات منطقه‌ای و جهانی بوده است. وقتی که مشاهده می‌کنیم که شرکای ما سیستم‌های جدید تسلیحاتی را طراحی می‌کنند و ساختارهای خود را به مرزهای ما نزدیک می‌کنند، ما باید به گونه‌ای واکنش از خود نشان دهیم. برای مثال، برنامه‌های ایجاد سیستم پدافند ضد موشکی موجب تغییرات در تعادل نیروها می‌شوند. بعد از استقرار این سیستم، یکی از طرفین می‌تواند احساس امنیت و آسیب‌ناپذیری کامل بکند. ما باید حداقل جواب نامتقارن بدهیم. اگر خودمان سیستم ضد موشکی را ایجاد نکنیم، باید امکاناتی برای غلبه کردن بر دفاع ضد موشکی طرف دیگر ایجاد کنیم. این امر کاملاً منطقی و قابل درک است. ما همین کار را می‌کنیم.

## احساس نگرانی مسلمانان اروپا از رشد روحیات ضد اسلامی

این نتیجه تفاوت موقعیت جمعیت مسلمان کشورهای اروپایی و روسیه است. جمعیت مسلمان اروپا، حتی اگر نسل دوم اتباع کشورهای مربوطه باشند، خود را مهاجر محسوب می‌کنند ولی مسلمانان روسیه، جزو لاینفک ملت چندین قومی و چند مذهبی کشور را تشکیل می‌دهند. آنها غیر از جمهوری، منطقه خود و سراسر روسیه، هیچ میهن دیگری ندارند. روسیه میهن آنهاست و آنها اعضای متساوی حقوق جامعه شهروندان کشورمان هستند. این وضعیت جامعه روسی طی قرن‌ها شکل گرفته است. مسلمانان و مسیحیان بیش از یک هزار سال است که باهم در این سرزمین زندگی کرده‌اند و در طول این قرن‌ها وحدت خاص قومی و فرهنگی با اصول و موازین شبیه یا کاملاً یکسان انسان دوستانه به وجود آمده است. همین امر به جامعه ما ثبات می‌بخشد. به همین دلیل روسیه به عضویت ناظر در سازمان کنفرانس اسلامی درآمده است. ما از اعضای این سازمان که به این تصمیم رأی دادند، سپاسگزاریم. اکنون مسلمانان روسیه می‌توانند و باید خود را بخش طبیعی جهان اسلام احساس کنند.

### نقش ابرقدرتی برای روسیه

روسیه مدعی نقش ابرقدرتی نیست و نمی‌خواهد با کسی مناقشه داشته باشد ولی قدر خود را می‌داند. ما برای برقراری جهان چندقطبی تلاش خواهیم کرد. ما نمی‌خواهیم به رویارویی بلوک‌ها برگردیم و جهان را به گروه‌های مختلف نظامی و سیاسی تقسیم کنیم. ولی روسیه از توان کافی برخوردار است تا در ساخت نظام جهانی جدید نفوذ کند که معماری آینده روابط بین‌الملل متعادل باشد و منافع همه اعضای روابط بین‌الملل را در نظر بگیرد.

### واکنش مقامات آمریکایی در قبال اظهارات آقای پوتین:

کاخ سفید سخنان ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه را تعجب‌برانگیز و مایوس‌کننده توصیف کرد. گوردن جاندر و سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید در بیانیه‌ای اعلام کرد که ما از این گونه اظهارات پوتین متعجب و ناامید شده‌ایم. وی این اتهامات را نادرست خواند. جاندر همچنین افزود: ما انتظار داریم به روند همکاری با روسیه در زمینه‌هایی که برای جامعه بین‌الملل حائز اهمیت است، از جمله مبارزه با تروریسم و کاهش گسترش و تهدید سلاح‌های کشتار جمعی ادامه دهیم. رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا نیز به مواضع آقای پوتین واکنش نشان داد و با اذعان به اشتباهات آمریکا اعلام داشت آمریکا مدتهاست که به عنوان نیروئی برای خیر در جهان شناخته می‌شود و با مخدوش شدن آبروی آن برای احیایش تلاش می‌کند. وی از روسیه به‌عنوان یک شریک یاد کرد و همزمان به برخی سیاست‌های بی‌ثبات‌کننده این کشور (روسیه) شامل انتقال تسلیحات (به کشورها) و وسوسه توسل به منابع انرژی به عنوان ابزار سیاسی انتقاد نمود.

### ملاحظات:

همانگونه که با بررسی سخنرانی آقای پوتین در صفحات فوق ملاحظه شد وی

شاخص‌های فوق را در سخنرانی انتقادآمیز خویش از سیاست‌های آمریکا و نیز مصاحبه با الجزیره گنجانید.

روسیه کشوری با تاریخ بیش از یک هزارساله است که همیشه از امتیاز دنبال کردن سیاست خارجی مستقل برخوردار بوده است و درصدد است با پیروی از این سنت با شرکای مستقل و دارای حس مسؤولیت سروکار داشته باشد.

استقرار پایگاه‌های ناتو و عناصر سیستم‌های پدافند ضد موشکی آمریکا در کشورهای اروپای شرقی، اوضاع افغانستان و همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم، از جمله موضوعاتی هستند که در جریان سفر رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا به مسکو مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت. سرگئی ایوانوف معاون نخست وزیر و وزیر دفاع روسیه، طرف اساسی مذاکرات با گیتس خواهد بود ولی احتمال می‌دهد که ملاقات وی با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور فدراسیون روسیه نیز برگزار شود.

گیتس در سخنان خود در مونیخ، روسیه را یکی از کشورهای آسیب دیده از عملیات تروریست‌های بین‌المللی دانست. وی همچنین ضمن توجیه پیشروی ناتو به سوی مرزهای روسیه تاکید کرد که روسیه نباید از این «پیشروی کشورهای دموکراتیک» واهمه داشته باشد زیرا «روسیه، شریک ایالات متحده و ناتو در زمینه‌های مختلف است».

وی همچنین از سیاست روسیه انتقاد کرد و گفت: «گاهی سیاست روسیه که با ثبات بین‌المللی مغایرت دارد، باعث تعجب ما می‌شود، از جمله فروش اسلحه و استفاده از مواد انرژی برای اعمال فشار». وزیر دفاع آمریکا مانند سابق با احتیاط با روسیه برخورد می‌کند. وی هفته گذشته در سخنان خود در برابر اعضای کمیته نیروهای مسلح کنگره گفت که «مانمی دانیم اوضاع کشورهایی چون چین و روسیه چگونه توسعه خواهد یافت». وی با اشاره به ضرورت آمادگی برای جنگ با ارتش‌های بزرگ، خواهان افزایش بودجه نظامی سال آینده شد.

## دیدگاه‌ها و نظرها

بسیاری از ناظران، سخنان ولادیمیر پوتین رئیس جمهور فدراسیون روسیه در مونیخ را «لحظه حقیقت» در مناسبات روسیه - آمریکا دانستند که در سال‌های اخیر فراز و نشیب‌های زیادی داشته‌است. سخنان شدید اللحن ولادیمیر پوتین رئیس جمهور فدراسیون روسیه در مونیخ که بسیاری از ناظران آن را به سخنان معروف وینستون چرچیل در فولتون تشبیه کردند، و نیز سفر رئیس جمهور روسیه به کشورهایمانند عربستان و اردن که مسکو با این منطقه روابط خوبی دارد، باعث این نتیجه‌گیری می‌شود که جهت‌گیری سیاست خارجی مسکو تغییر کرده است و روسیه تمایل دارد از ابزارهای ایران و نزدیکی به کشورهای خاورمیانه و تقویت نقش خاورمیانه‌ای خویش بیشتر استفاده نماید.

احیاچنین سیاستی برای تقویت نقش کرملین ناشی از بهبود نسبی وضعیت اقتصادی داخلی و تمایل مسکو برای ایفای نقش یک بازیگر تمام عیار بین‌المللی است و از سوی دیگر ناکارائی سیاست خشن و سخت‌افزارانه ایالات متحده در مواجهه با بحران‌های منطقه‌ای مانند عراق و افغانستان است و دیگر اینکه مسکو از سیاست گام‌بگام نزدیکی ناتو و آمریکا به حوزه نفوذ تمدنی و ژئوپلتیک خویش از طریق گسترش ناتو و سیستم دفاع موشکی در لهستان و چک بسیار ناخشنود بوده و واکنش نشان داده است.

مسکو بعد از ۱۱ سپتامبر به پاس حمایت خود از عملیات ضدتروریستی از غرب هیچ امتیازات و تسهیلاتی دریافت نکرد. بسیاری نیز اعتقاد دارند روسای آمریکا و روسیه در حال گشایش‌گره منافع متضاد فیما بین خود هستند و انعکاس این موضوع در سخنرانی آقای پوتین و مواضع اخیرش بازتاب دلخوری و ناخشنودی مسکو از سیاست‌های یکجانبه‌گرائی آمریکا و بدون لحاظ نمودن منافع روسیه است.

عده‌ای از تحلیل‌گران سیاسی معتقدند: ایران به میدان آزمایشی برای «خط جدید»

کرملین تبدیل می‌شود که در این زمینه قدرت برگ‌های برنده خود و رقیبان (قبل از همه ایالات متحده) را مورد آزمایش قرار دهد. از طرفی، همکاری اقتصادی مسکو با تهران، مساله مهم ژئوپلیتیک روسیه را حل می‌کند. اگر ایران شریک بازرگانی و متحد سیاسی مسکو باشد، روسیه می‌تواند از نفوذ آمریکا در منطقه خزر و قفقاز جلوگیری کرده و اوضاع سیاسی و انرژی منطقه را تا حدی که همسایگان دارای منافع، اجازه دهند، کنترل کند.

عده‌ای نیز معتقدند بازی ایرانی، به روسیه میدان خوبی می‌دهد که بعد از مفقود شدن عظمت جهانی شوروی سابق و در شرایط مشکلات در فضای شوروی، یک بار دیگر خود را به عنوان بازیگر با نفوذی نشان دهد که در معادلات بسیاری از «نقاط داغ» جهانی نفوذ اساسی دارد. برخی معتقدند روسیه نه تنها به «خاطر ایران» در «برابر آمریکا» نمی‌ایستد بلکه تلاش خواهد کرد از توسعه برنامه هسته‌ای ایران برای تامین منافع ملی خویش کمال استفاده را ببرد. با این وجود روسیه حول عدم اشاعه هسته‌ای تفاهمی راهبردی نیز با غرب و آمریکا و حتی چین و ژاپن دارد.

عده‌ای نیز استدلال می‌کنند جرج بوش همواره برداشت سنتی از منافع ملی و ژئوپلیتیک داشته و آن را معیار کار خود قرار می‌دهد، و «رفتار غیر قابل پیش‌بینی» آمریکا خطرناک‌ترین نوع سیاست در جهان معاصر است. آقای پوتین به وضوح با اعمال این سیاست‌ها از سوی آمریکا در محیط پیرامونی خویش و صحنه جهانی موافقت نداشته است و از طرفی ضمن به چالش گرفتن این سیاست‌ها هم نمی‌خواهد دوران جنگ سرد جدیدی با آمریکا را موجب و پایه‌ریزی کند. زیرا هر دو طرف منافع واقعی خویش را در فضائی مرکب از «رقابت و همکاری و موازنه و تقسیم و سهم خواهی منافع و در عین حال اختلاف نظر و دیدگاه در پاره‌ای از مسائل» تعریف کرده‌اند. مسلماً حفظ و استمرار این دیدگاه و چارچوب همکاری منافع زیادی برای طرفین به ارمغان آورده است.

## نتایج:

آنچه که از مطالعه سخنان و مصاحبه‌های آقای پوتین در خصوص نظام جدید بین‌الملل قابل دریافت است، چنین است که:

الف) دوران جنگ سرد و همچنین نظام دوقطبی خاتمه یافت. نظام تک‌قطبی با تمرکز در سه حوزه «اقتدار، اعمال زور و تصمیم‌گیری» به هیچ‌وجه تاکنون شکل نگرفته است و لذا غیرقابل پذیرش و قبول بوده و حتی استقرار چنین نظامی غیرممکن است. از طرفی چنین نظامی نیز غیردموکراتیک می‌باشد.

ب) قدرت بالقوه اقتصادی در کشورهایی مانند چین و هند و برزیل توانسته است این کشورها را تبدیل به «قدرت اقتصادی» با قابلیت تبدیل به قدرتی توأم با «اقتدار و نفوذ سیاسی» نماید و عملاً این بازیگران جدید وارد عرصه سیاست‌های بین‌الملل شده‌اند.

ج) براساس این دیدگاه آمریکا با پرهیز از «جنگ ستارگان در فضای ماورای جو» و با «خلع سلاح جهانی» به «تقویت رژیم عدم اشاعه هسته‌ای» و «عدم گسترش ناتو» و «استقرار سیستم دفاع موشکی در اروپا» می‌بایست با سایر قدرت‌های مطرح جدید (چین، هند، روسیه و برزیل) و اتحادیه اروپا برای مبارزه با فقر، تروریسم، رشد افراط‌گرایی و مناقشه‌های در حال رشد و سایر مشکلات بین‌المللی تلاش نماید.

د) این بازیگران جدید در یک نظام چندقطبی با همکاری و تلاش جمعی یک سیستم توسعه اقتصادی و عادلانه برای همه کشورها و با محوریت سازمان ملل و اهداف منشور آن تدوین و در برنامه و دستور کار جهانی قرار دهند.

ه) از این منظر روسیه مایل است با تفاهم و همکاری و رقابت مثبت و سازنده در طول روابط دوجانبه و بین‌المللی با آمریکا و پرهیز از جنگ سردی ناخواسته چنین دورانی را اعلام سازد و لذا تحلیل مواضع جدید آقای پوتین در این راستا قابل ارزیابی و امعان توجه بسیار است.